

۷۹ - تفاوت عقول

و از حضرت عبدالجبار است. **قوله الجلیل:** "هو الله ای احبای الهی و اماء رحمانی جمهور عقلا بر آنند که تفاوت عقول و آراء از تفاوت تربیت و تعلیم آداب است یعنی عقول در اصل متساوی است ولی تربیت و تعلیم آداب سبب گردد که عقول متفاوت شود و ادراکات متباین و این تفاوت در فطرت نیست بلکه در تربیت و تعلیم است و امتیاز ذاتی از برای هر نفسی نیست لهذا نوع بشر عموماً استعداد وصول باعلی المقامات دارند و برهان برین اقامه نمایند که اهالی مملکتی نظیر افریقا جمیع مانند وحوش ضاربه و حیوانات بریه بی عقل و دانش اند و کلّ متوحّش یک نفس دانا و متمدّن در ما بین آنان موجود نه و بعکس آن ملاحظه مینمائید که ممالک متمدّنه جمیع اهالی در نهایت آداب و حسن اطوار و تعاون و تعاضد و حدّت ادراک و عقل سلیم هستند الا معدودی قلیل. پس معلوم و محقق شد که علوّ و دنوّ عقول و ادراکات از تربیت و تعلیم و عدم آن است. شاخ کج بتربیت راست شود و میوه بری جنگلی ثمر بستانی شود و شخص نادان بتعلیم دانا گردد و عالم توحّش بفیض مرئی دانا جهان تمدّن گردد علیل بطبابت شفا یابد و فقیر بتعلیم فنّ تجارت غنی شود و تابع بسبب کمالات متبوع عظیم گردد و شخص ذلیل بتربیت مرئی از حضیض خمول باوج رفیع رسد. این است برهان آنان انبیاء نیز تصدیق این رأی را میفرمایند که تربیت نهایت تأثیر در بشر دارد ولی میفرمایند عقول و ادراکات در اصل فطرت نیز متفاوت است و این امر بدیهی است قابل انکار نه چنانچه ملاحظه مینمائیم اطفالی هم سن و هم وطن و هم جنس بلکه از یک خاندان در تحت تربیت یک شخص پرورش یابند با وجود این عقول و ادراکاتشان متفاوت یکی ترقّی سریع نماید و یکی پرتو تعلیم بطئی گیرد و یکی در نهایت درجه تدنّی ماند خرف هر چه تربیت شود لؤلؤ لالا نگردد و سنگ سیاه گوهر جهانتاب نشود و حنظل و زقوم بتربیت شجره مبارکه نگردد یعنی تربیت گوهر انسانی را تبدیل نکند ولکن تأثیر کلی نماید و بقوه نافذه آنچه در حقیقت انسان از کمالات و استعداد مندمج و مندرج بعرضه ظهور آرد تربیت دهقان حبّه را خرمن کند و همّت باغبان دانه را درخت کهن نماید لطف ادیب اطفال دبستان را باوج رفیع رساند و عنایت مرئی کودک حقیر را بر سریر اثر نشانند پس واضح و مبرهن گردید که عقول در اصل فطرت متفاوتست و تربیت را نیز حکمی عظیم و تأثیری شدید."